

توکلی- فرمانده انتظامی شهرستان رودبار جنوب کرمان گفت: ماموران پلیس آگاهی، ضمن تقویت گشت های محسوس و نامحسوس و چندروز تحقیقات میدانی با توجه به سرخ های به دست آمده دو باند پنج نفره سرقت احشام و منزل را شناسایی و در اقدامی ضربتی تمامی اعضای این دو باند را دستگیر کردند. این مسئول انتظامی گفت: متهمان در چندین مرحله بازجویی، به ۲۷ فقره سرقت انواع احشام کوچک و بزرگ و منزل در شهرستان اعتراف کردند.



انهدام ۲باند حرفه ای سرقت در جنوب کرمان

در بازسازی صحنه قتل برای تصاحب ثروت مطرح شد

جنایت هولناک، آخرین سکانس طمع کاران



درامتداد تاریکی

سرنوشت تاریک

از پدر و مادرم انتظار محبت بیشتری داشتم اما آن ها آن قدر درگیر گرفتاری ها و مشکلات خودشان بودند که به من توجهی نمی کردند.

من هم در جست وجوی یافتن محبت در کوچه و خیابان به دنبال رفیق بازی رفتم تا آن که به مواد مخدر آلوده شدم. حالا هم فقط مورد سرزنش قرار می گیرم تا سرگذشت پدرم برایم عبرت شود اما...

پسر ۲۱ ساله ای که مدعی بود به خاطر ورشکستگی پدرش و قرار گرفتن در یک شرایط خاص نتوانسته است بیشتر از مقطع ابتدایی به تحصیلاتش ادامه بدهد، با بیان این که همه اوقاتم را با دوستانم می گذرانم و علاقه ای به کار کردن ندارم در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: شش ساله بودم که زمه شکست اقتصادی پدرم در خانه پیچید.

آن زمان معنای «ورشکسته شدن» را نمی فهمیدم و از حرف های پدر و مادرم فقط متوجه می شدم که باید خانه را بفروشم و در جای دیگری زندگی کنیم. پدرم در سرای بلور مشهد فروشگاه بزرگ لوازم خانگی داشت و ما از امکانات بزرگ و خودروی خارجی منزل قیتمش را برای پرداخت مبالغ بهدکاری و حفظ آبرویش بفروشد.

این گونه بود که پدرم به ناچار با اندک پول باقی مانده منزل کوچکی در حاشیه شهر خرید و به یک باره ما از آن همه امکانات رفاهی و تفریحی به مکانی آدمیم که دیگر از آن همه سفره های رنگین و ناز و نعمت خبری نبود.

پدرم هر روز افسرده تر می شد تا جایی که برای تامین هزینه های زندگی به عنوان کارگر آهن فروشی شروع به کار کرد این در حالی بود که برای رهایی از سختی های روزگار و فراموش کردن گذشته اش به مصرف مواد مخدر روی آورد.

او که به قول خودش از عرش به فرش سقوط کرده بود، در محیط آلوده زندگی مان به رفیق بازی پرداخت به طوری که هر روز بیشتر درگیر مواد افرونی فرو می رفت این در حالی بود که من هم به سن نوجوانی رسیده بودم و انتظار محبت از پدر و مادرم داشتم اما آن ها درگیر مسائل و مشکلات خودشان بودند و توجهی به من نمی کردند.

تا جایی که من هم در همان محیط آلوده و در جست وجوی محبت به دنبال رفیق بازی رفتم چرا که آن ها هیچ وقت مرا سرزنش نمی کردند و به درد دل هایم گوش می دادند.

خلاصه من هم زمانی به خودآمدم که به یک معتاد حرفه ای تبدیل شده بودم و همواره در پی تهیه مواد مخدر بودم. پدرم زمانی که به ماجرای اعتیاد پی برد شروع به نصیحت کرد که از سرنوشت او درس بگیرم و به دنبال اعتیاد و دوستان ناباب نرم!

اما دیگر کار از کار گذشته و من در سن جوانی به معتادی تبدیل شده ام که نمی توانم لحظه ای بدون مواد مخدر زندگی کنم. از سوی دیگر من فرزند بزرگ خانواده بودم و در شرایطی پدرم ورشکسته شد که نتوانستم بیشتر از مقطع ابتدایی ادامه تحصیل بدهم.

با این حال برای تامین هزینه های زندگی کاری می کردم و از پدر و مادرم انتظار داشتم که بیشتر از گذشته مرا تشویق کنند و مورد مهر و محبت خودشان قرار بدهند اما آن ها حرف های مرا درک نمی کنند و مدام به سرزنش می پردازند.

من هم برای فرار از سرزنش های آن ها دوباره به آغوش همان دوستان ناباب پناه می برم تا حرف هایم را بشنوند اگر چه می دانم نصیحت های پدرم از سر دلسوزی است و دوست ندارم آینده مرا در سرنوشت تاریک خودش جست و جو کند و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری و خراسان رضوی

پس از تفهیم اتهام از سوی قاضی احمدی نژاد در محل ارتکاب جرم مقابل دور بین قوه قضاییه قرار گرفتند و به بازسازی صحنه جنایت پرداختند. در این میان عبدا... متهم اصلی پرونده گفت: با طمع تصاحب اموال پیرمرد که چند خودرو و ملک و املاک داشت، نقشه قتل او را طرح کردیم اما هر بار در اجرای آن دچار مشکل می شدیم تا این که شب حادثه (هجدهم بهمن) هر سه نفر با هم به اتاق پیرمرد رفتیم تا به هر طریق ممکن نقشه قتل را اجرا کنیم. آن شب مقداری قرص خواب آور درون چای و خوراک عدسی ریختم تا او را هنگام خواب بکشیم! زمانی که ماشاء... چشمانش گرم خواب شد ما شیر گاز را باز کردیم که او در همان حالت خوابیده و با گاز شهری خفه شود و خودمان از اتاق بیرون آمديم. ولی روز بعد با تصور مرگ پیرمرد وقتی پا به درون اتاق گذاشتیم او هنوز زنده بود. دیگر راهی به ذهن مان نمی رسید تا این که من به بهانه ماساژ دادن پشت و پهلوی مالک مغازه، گلویش را با دست آن قدر فشار دادم که جان سپرد. بعد هم جسد او را نیمه شب با خودروی پژو ۴۰۵ (متعلق به مقتول) به جاده چناران بردیم تا کسی متوجه نشود. آن جا هم با ریختن بنزین در کناریک پل، جسد او را آتش زدیم و با این تصور که دیگر شناسایی نمی شود این جنایت همانندسازی باقی می ماند به سوی مشهد بازگشتیم تا با سفید امضاهایی که داشتیم ادامه نقشه تصاحب ثروت را به مرحله اجرا در آوریم ولی طولی نکشید که به طور ناگهانی در محاصره پلیس قرار گرفتیم و...

گزارش خراسان حاکی است، در آغاز بازسازی صحنه قتل ابتدا سرهنگ سربایانی (افسر پرونده) خلاصه ای از محتویات پرونده و اعتراضات متهمان در مراحل بازجویی را شرح داد و در پایان نیز قاضی احمدی نژاد با صدور قرارهای قانونی، متهمان را روانه زندان کرد تا دیگر مراحل قانونی این پرونده جنایی مسیر خود را طی کند.



متهمان پرونده جنایت به خاطر تصاحب ثروت هنگام تشریح صحنه قتل پیرمرد ۶۰ ساله

پرونده در شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مورد رسیدگی قرار گرفت و قاضی علی اکبر احمدی نژاد با صدور دستورات ویژه قضایی به تجزیه و تحلیل های کارشناسی در کنار کارآگاهان پلیس آگاهی پرداخت.

طولی نکشید که تحلیل های مذکور نتیجه داد و کارآگاهان با دستور قاضی ویژه قتل عمد و در یک نیمه شب در یک عملیات ضربتی وارد تعمیرگاه شدند و صافکار ۳۷ ساله را در حالی به دام انداختند که در آن جا مخفی شده بود! اما وی به داستان سربایی و تناقض گویی پرداخت تا این که کارآگاهان در عملیات های جداگانه دیگر و در قرارهای صوری موفق شدند مکانیک و شاگرد

وی را نیز دستگیر کنند. گزارش خراسان حاکی است، سه متهم این پرونده جنایی روز گذشته

در اتاق مذکور بسته بود بلکه مستاجران مغازه ها که صافکار و مکانیک بودند نیز در محل حضور نداشتند و تعمیرگاه مذکور به طرز مشکوکی بسته بود به طوری که حتی از شاگرد مکانیک که یک جوان دانشجو بود هم اثری دیده نمی شد. به همین دلیل کارآگاهان اداره جنایی، همه فعالیت های پلیسی و اطلاعاتی خود را در این باره متمرکز کردند تا این که سرخ ها و اسنادی به دست آمد که نشان می داد: دو جوان صافکار و مکانیک به همراه شاگرد ۱۹ ساله خود ساعت یک با مداد نوزدهم بهمن سوار بر یک دستگاه پژو داخل تعمیرگاه خارج شده و حدود ساعت ۳ با مداد دوباره به محل بازگشته اند. این در حالی بود که خودروی مذکور متعلق به مالک

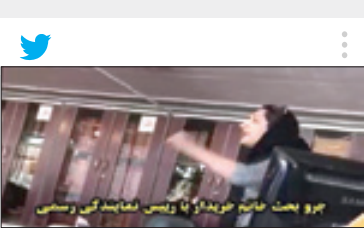
گشوده مغازه ها بود و اکنون اثری از خودرو دیده نمی شد. با احتمال قوت گرفتن فرضیه قتل، این

بازتاب

این ستون هر روز خبرها و مطالب پرباز نشر و پربازدید فضای مجازی را در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهد

برای دیدن فیلم ها و ویدئو هایی که در ستون بازتاب در باره آن ها نوشته ایم کافی است کیوار کد رویه رو را از طریق گوشی همراهتان اسکن کنید و از دیدن آن ها لذت ببرید.

درخواست صلاح ایرانی و تکل ضد اخلاقی رئیس کمیته انضباطی فوتبال!



6.4 M views

ویدئوی جنجالی از نمایندگی یک خوروساز

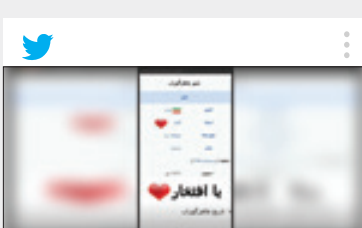
ویدئویی از برخورد زشت رئیس یکی از نمایندگی فدراسیون فوتبال چند روز قبل در اظهاراتی عجیب که هنوز هم آن را اصلاح نکرده، با شهرستانی خواندن فوتبالیستی معترض گفت: «یک جوان که هنوز تهران را به خوبی نمی شناسد و فقط به واسطه شهرتش صحبت می کند علیه وزیر حرف می زند؛ این موضوع باید کالبدشکافی شود.» این اظهار نظر باعث شد هشتک «من هم شهرستانی هستم، در فضای مجازی داغ شود تا جایی که سر دار کمالی، معاون ستاد کل نیروهای مسلح نیز در یک پست اینستاگرامی، خودش را با افتخار شهرستانی معرفی کرد. کاربری نوشت: «همون طوری که از فوتبالیست ها انتظار داریم رفتار بهتری از مردم عادی داشته باشند، این مسئولان هم می خواهم که با دقت بیشتری حرفشون رو بکن و با یک اظهار نظر ناپخته به شکاف های هویتی و... دامن زنن.»



2.8 M views

قیچی مهریانی در آسایشگاه سالمندان

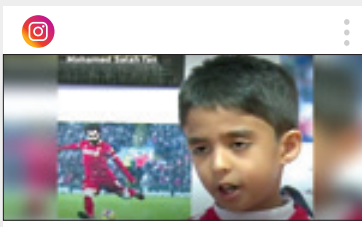
جمعی از آرایشگران شهر رشت، برای ششمین سال متوالی در آستانه سال نو به آسایشگاه سالمندان رفتند و در یک حرکت خدایمانه، موی ۵۵ نفر از افراد بستری را رایگان قیچی زدند. این یکی از خبرهای خوب و دوست داشتنی در فضای مجازی بود. کاربری نوشت: «این کار نشون می ده با هر کاری که بلدی می شه به آدمای اطراف کمک و اونا رو شاد کنی.» کاربر دیگری نوشت: «می شه این روزها با کارای ساده ای که هزینه ای هم نداره دل مردم رو شاد کرد، فقط باید خواست.»



5.9 M views

من هم شهرستانی هستم

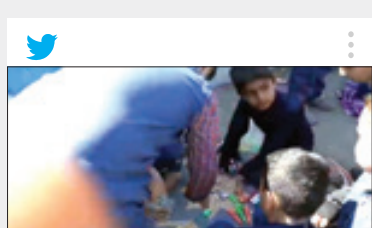
«اسماعیل حسن زاده»، رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال چند روز قبل در اظهاراتی عجیب که هنوز هم آن را اصلاح نکرده، با شهرستانی خواندن فوتبالیستی معترض گفت: «یک جوان که هنوز تهران را به خوبی نمی شناسد و فقط به واسطه شهرتش صحبت می کند علیه وزیر حرف می زند؛ این موضوع باید کالبدشکافی شود.» این اظهار نظر باعث شد هشتک «من هم شهرستانی هستم، در فضای مجازی داغ شود تا جایی که سر دار کمالی، معاون ستاد کل نیروهای مسلح نیز در یک پست اینستاگرامی، خودش را با افتخار شهرستانی معرفی کرد. کاربری نوشت: «همون طوری که از فوتبالیست ها انتظار داریم رفتار بهتری از مردم عادی داشته باشند، این مسئولان هم می خواهم که با دقت بیشتری حرفشون رو بکن و با یک اظهار نظر ناپخته به شکاف های هویتی و... دامن زنن.»



4.9 M views

درخواست صلاح ایرانی از صلاح مصری

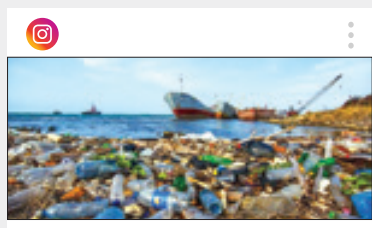
درخواست نسخه ایرانی محمد صلاح از محمد صلاح بازیکن مصری باشگاه لیورپول جهانی شد. اگر این ستون را دنبال کرده باشید از نسخه ایرانی محمد صلاح نوشته بودیم اما ویدئوی طاهای ۷ ساله شیرازی که چالش جدید محمد صلاح را انجام داده بود سوژه گزارش شبکه الجزیره شد. ماهاز محمد صلاح می خواهد که او را به آکادمی لیورپول ببرد. کاربری نوشت: «کاش تو کشور خودمون آکادمی فوتبال در دست و حسابی داشتیم که این جور استعدادها لدشون هوس باشگاه های خارجی رو نکنه.» کاربر دیگری نوشت: «با این استعداد باید اونا بیان دنالش.»



3.2 M views

تجربه دست فروشی در مدرسه

ویدئویی از مدرسه ای در تهران در فضای مجازی منتشر شد که دانش آموزان را در حال فروش وسایلی که در حیاط مدرسه پهن کرده بودند نشان می داد. کاربران فضای مجازی هم به این حرکت، واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «ظاهرا با این اوضاع اقتصادی معلما فهمیدن که به جای آموزش علم به چه باید به اون ها روش دلالتی و کاسبی یاد بدن.» کاربر دیگری که به نظر می رسد فرزندش تجربه این کار را در مدرسه داشته نوشت: «کار بسیار آموزنده ای برای بچه هاست چون با این کار هم راحت تر واحد پول رو یاد می گیرن و هم به نوعی نحوه برخورد با ارباب رجوع و مشتری رو آموزش می بینن.»



3.1 M views

ساحل عسلویه هم!

تماشای ویدئویی از انباشته شدن زباله در ساحل عسلویه از تلخ ترین ویدئوهای پربازدید فضای مجازی بود. در این ویدئو یکی از ریش سفیدان خطاب به مسئولان شهرداری عسلویه می گوید: «آیا می دونید چقدر این ساحل پاک بود؟» کاربری نوشت: «وقتی این میزان از آلودگی رو تووی ساحل عسلویه که توی مسیر مسافرا نیست می بینیم باید بدویم وضع محیط زیست مون خیلی خرابه.» کاربر دیگری نوشت: «اگه می خوام پای شهرداری به این منطقه باز بشه و آلودگی ها رو ببینه چند تا دست فروش بگید بیان و دست فروشی کنن.» کاربری هم نوشت: «به نظر می باید خود مردم و محلی ها برای داشتن ساحلی زیبا دست به دست هم بدن و زباله ها رو جمع کنن و دیگه هم زباله نریزن.»